هو اللّه تعالی

یا حیدر قبل علی بگو یا اهل ارض آذان را از برای این کلمهٴ مبارکه از آنچه شنیده‌اید مقدّس نمائید لعلّ فائز شوید بآنچه از برای او خلق شده‌اید امروز از سدرهٴ مبارکه که در قطب فردوس اعلی بید اراده غرس شده این کلمهٴ علیا اصغا گشت تاللّه قد ظهر ما لا ظهر فی ازل الآزال انصفوا یا ملأ الأرض و لا تکونوا من الغافلین قوموا علی تدارک ما فات عنکم سوف تمضی الأیّام و ترون انفسکم فی خسران مبین

یا حیدر قبل علی علیک بهائی انت الّذی الّفت بین القلوب بکلمة ربّک و نطقت بما یقرّب النّاس الی اللّه الفرد الخبیر

یا حسین انّا ذکرناک مرّةً بعد مرّة و انزلنا لک ما تقرّ به عیون المقرّبین انشآءاللّه بنار محبّت الهی مشتعل باشی و بر خدمت امر قائم قسم بانوار آفتاب معانی که از افق سجن اشراق نموده این ایّام انسان قادر است بر تحصیل مقام باقی و نعمت باقیه و مائدهٴ دائمه ایّام در مرور و مکلّم طور بر عرش ظهور مستوی طوبی لک بما ادرکت ایّامه و فزت بالاقبال الی افقه و قمت علی خدمة امره العزیز العظیم

یا دائی بآفتاب این کلمهٴ علیا که از افق سماء قلم اعلی اشراق نموده ناظر باش من کان لی اکون معه لا شکّ فی ذلک قد شهد بذلک لسان العظمة فی هذا السّجن العظیم ذکرت مکرّر از لسان جاری قدر این مقام اعلی را بدان و باسم مالک اسماء حفظش کن زود است آنچه از عدم آمده بعدم راجع گردد و المقرّبون یرون ما قدّر لهم من لدی اللّه ربّ العالمین هیچ امری در منظر اکبر مستور نبوده و نیست انّ ربّکم معکم یسمع و یری و هو السّمیع البصیر اجر هر عملی عنداللّه محفوظ انّه هو الحافظ القویّ الغالب القدیر

یا عطآء علیک بهآء اللّه مالک الأسمآء و فاطر السّمآء چندی قبل از خزانهٴ قلم اعلی لآلی بدیعهٴ منیعه ارسال نمودیم لتفرح و تشکر ربّک العلیم الحکیم یا عطا حقّ بی ناصر و معین در سجن اعظم بذکر اولیا مشغول جنودی که الیوم ناصر و معین امرند اعمال طیّبه و اخلاق مرضیّه بوده و هست و رئیس این جنود تقوی اللّهست بگو ای عباد امروز روز ذکر و ثنا و روز خدمتست بحر معانی موّاج آفتاب حقیقت مشرق خود را محروم منمائید باسم حقّ اصنام اوهام را بشکنید جهد نمائید شاید فائز شوید بآنچه از برای او از عدم بوجود آمده‌اید یا عطآء علیک بهائی مکرّر آن جناب را امر نمودیم بر خدمت امر قم و قل یا قوم انّ القیّوم امام وجوهکم ینادیکم الی الأفق الأعلی ایّاکم ان تمنعوا انفسکم عن البحر الأعظم و ایّاکم ان تمنعوها عن النّبإ العظیم هذا نبأ اخبر به رسول اللّه و بشّر به الکلیم اسمع ندائی ثمّ اعمل ما امرت به من لدن قویّ قدیر کذلک نطق اللّسان اذ کان المظلوم فی حزن مبین

یا علی ندای مظلوم در کلّ حین مرتفع و قلم اعلی در جمیع احوال متحرّک از حقّ بطلب آذان را قابل این اصغا نماید و عیون را لایق مشاهدهٴ این انوار امروز هر نفسی باقبال فائز شد او در صحیفهٴ حمرا از اهل بهاء مذکور و مسطور مائدهٴ حقیقی از سماء معانی در کلّ حین نازل و نعمت باقیهٴ دائمه امام وجوه حاضر و مشهود ولکن عباد غافل و محجوب و ممنوع الّا من شآء ربّک حمد کن مقصود عالمیان را که ترا موفّق فرمود بر عرفان اسم مکنون مخزون و از حقّ بطلب ترا مؤیّد فرماید بر استقامت بر این امری که فرائص مشرکین از آن مرتعد و افئدهٴ منافقین مضطرب مشاهده میگردد طوبی از برای عبدی که شئونات عالم و شبهات امم او را از اسم اعظم محروم ننمود و محجوب نساخت

یا محمّد علی جمیع عالم منتظر ایّام اللّه بوده و جمیع کتب الهی گواه این معنی و چون اشراقات انوار آفتاب ظهور از افق عالم ظاهر کلّ بر اعراض قیام نمودند مگر معدودی و باین هم اکتفا نرفت بر سفک دم اطهرش فتوی دادند و در مساجد بر منابر گفتند آنچه را که عین عدل گریست و قلم اعلی نوحه نمود در اقوال حزب قبل تفکّر نما خود را بهترین اهل عالم میشمردند و در یوم قیام پست‌ترین احزاب مشاهده شدند کذلک ارتفع صریر القلم الأعلی اذ کان المظلوم فی سجن مبین طوبی لک بما اقبلت فی یوم اللّه و سمعت ندائه و آمنت به اذ اعرض من علی الأرض الّا من حفظه اللّه فضلاً من عنده و هو الفضّال الکریم

یا قلمی الأعلی اذکر من سمّی بمحمّد الّذی شرب رحیق المعانی من ایادی العطآء و اقبل اذ اعرض کلّ عالم مریب انّ النّار تنطق فی السّدرة و النّور ینطق من افقه و المنادی ینادی بین الأرض و السّمآء ولکنّ النّاس فی نوم عجیب قد اهلکتهم جنود النّفس و الهوی و هم لا یشعرون قل یا قوم اتّقوا الرّحمن و لا تتّبعوا اوهام الّذین کفروا بیوم الدّین انّا انزلنا الآیات و اظهرنا البیّنات و القوم اکثرهم من الغافلین اشکر اللّه بهذا الفضل الأعظم انّه ذکرک و هداک الی صراطه المستقیم قل لک الحمد یا مولی العالم و لک الثّنآء یا مقصود العارفین

یا رضا از حقّ بطلب ترا فائز فرماید برضای حقیقی قسم بمقرّ عرش اعظم هر نفسی بآن فائز شد بکلّ خیر فائز است بگو

الها کریما رحیما توئی آن سلطانی که بیک کلمه‌ات وجود موجود گشت و توئی آن کریمی که اعمال بندگان بخششت را منع ننمود و ظهورات جودت را بازنداشت از تو سؤال مینمایم این عبد را فائز فرمائی بآنچه سبب نجاتست در جمیع عوالم تو توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و دانا

یا هاشم قلم اعلی نصیحت میفرماید و امر مینماید اولیای خود را بآنچه سبب راحت و آسایش عالم است در لیالی و ایّام از خزائن قلم اعلی لآلی حکمت و بیان ظاهر از حقّ میطلبیم عباد خود را از این موهبت کبری محروم نفرماید اوست بخشنده و مهربان

یا حسن از حقّ بخواه بیتی بنا نمائی که اسّش تقوی است و جدارش توفیق و سقفش امانت و دیانت هر نفسی اقبال نمود او لدی اللّه مذکور و از قلم مظلوم مسطور قدر یوم را بدانید و بخدمت امر قیام نمائید فضل حقّ شما را اخذ نمود و بشطر ایمن هدایت فرمود اوست کریمی که کرمش عالم را احاطه نموده و جودش من فی الوجود را

یا مهدی وجه مظلوم در این حین بتو توجّه نمود هل تعرف من اقبل الیک وجه اللّه المهیمن القیّوم و هل تعرف من یذکرک من کان مکنوناً مخزوناً فی ازل الآزال یشهد بذلک لوح اللّه المحفوظ شکر کن مقصود عالمیان را که فائز شدی بآنچه ماکان و مایکون باو معادله نمینماید اولیای آن ارض را تکبیر میرسانیم و بآیات الهی متذکّر مینمائیم شاید کلّ باستقامت فائز شوند و از ما سوی اللّه منقطع

یا حیدر قبل علی علیک بهآء اللّه و عنایته این ایّام در بعضی از اهل این مدینه نار بغضا مشتعل هر هنگام از مشرق عنایت الهی نیّر اذن لائح حاء و سین را هم اذن میدهیم باتّفاق قصد نیّر آفاق نمائید

یا اسم جود علیک بهائی نامهٴ عندلیب علیه بهائی که بشما ارسال نموده در ساحت مظلوم حاضر و غصن اکبر عرض نمود و بشرف اصغا فائز گشت نسأل اللّه تعالی ان یؤیّده و یمدّه و یوفّقه علی ذکره و ثنائه و ما ینبغی لأیّامه انّه جواد کریم

و نذکر من سمّی بغلام علی و نذّکره بآیاتی و نبشّره بعنایتی نسأل اللّه ان یؤیّده علی ما یحبّ و یرضی و یفتح علی وجهه باب الفضل و العطآء انّه هو مولی الأسمآء و مالک العرش و الثّری و نذکر اخته و امّه و نبشّرهما بفضل اللّه ربّ العالمین

یا عندلیب انّا سمعنا ندائک اجبناک بکتابی المبین طوبی لک بما اقبلت الی الأفق الأعلی و اعترفت بما اعترف به لسان العظمة قبل خلق السّموات و الأرضین کن ناطقاً باسمی و طائراً فی هوائی و متمسّکاً بحبلی و متشبّثاً بذیل رحمتی کذلک یأمرک من عنده کتاب عظیم ایّاک ان یمنعک شیء من الأشیآء عمّا امرت به من لدی اللّه فاطر السّمآء کذلک اظهر البحر لآلئ الحکمة و الشّمس اشراقها و انوارها لتفرح و تکون من الشّاکرین

یا اسم الجود قد انزلنا من سمآء الفضل و العطآء لکلّ اسم کان فی کتب الأبرار فضلاً من لدنّا انّ ربّک هو المشفق الکریم قل

لک الحمد یا الهی بما اقبلت من شطر سجنک الی عبادک و ذکرتهم بما لا یعادله شیء من الأشیآء اشهد انّک انت الفضّال الغفور الرّحیم سبقت رحمتک و احاط فضلک لا اله الّا انت العلیم الحکیم البهآء المشرق من لدنّا علیک و علی الّذین ذکرناهم فی هذا اللّوح البدیع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر